

ساختمان إمپائر استیت

جنت بی. پاسکال
تصویرگر: دیوید کولون
مترجم: محمدرضا افضلی



entesharat.com

فهرست

فصل ۱

از مزرعه تا آسمان خراش | ۱۲



فصل ۲

ساختمان بلند چگونه ساخته می شود | ۲۳



فصل ۳

بالا و بالاتر | ۳۴



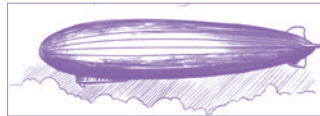
فصل ۴

مبارز خوشحال | ۴۲



فصل ۵

ساختمانی به شکل مداد | ۴۹



فصل ۶

تخریب هتل آستور | ۵۸



فصل ۷

اسکلت فولادی | ۶۴



فصل ۸

یک سال و چهل و پنج روز بعد | ۷۳



فصل ۹

دوران رکود و نومییدی | ۸۰



فصل ۱۰

ساختمان امپتی استیت | ۸۶



فصل ۱۱

رکورد جهانی از دست رفته | ۱۰۰



فصل ۱۲

نزدیک بهشت | ۱۰۷



سیر تاریخی ساختمان امپایر استیت | ۱۱۲

سیر تاریخی جهان | ۱۱۳



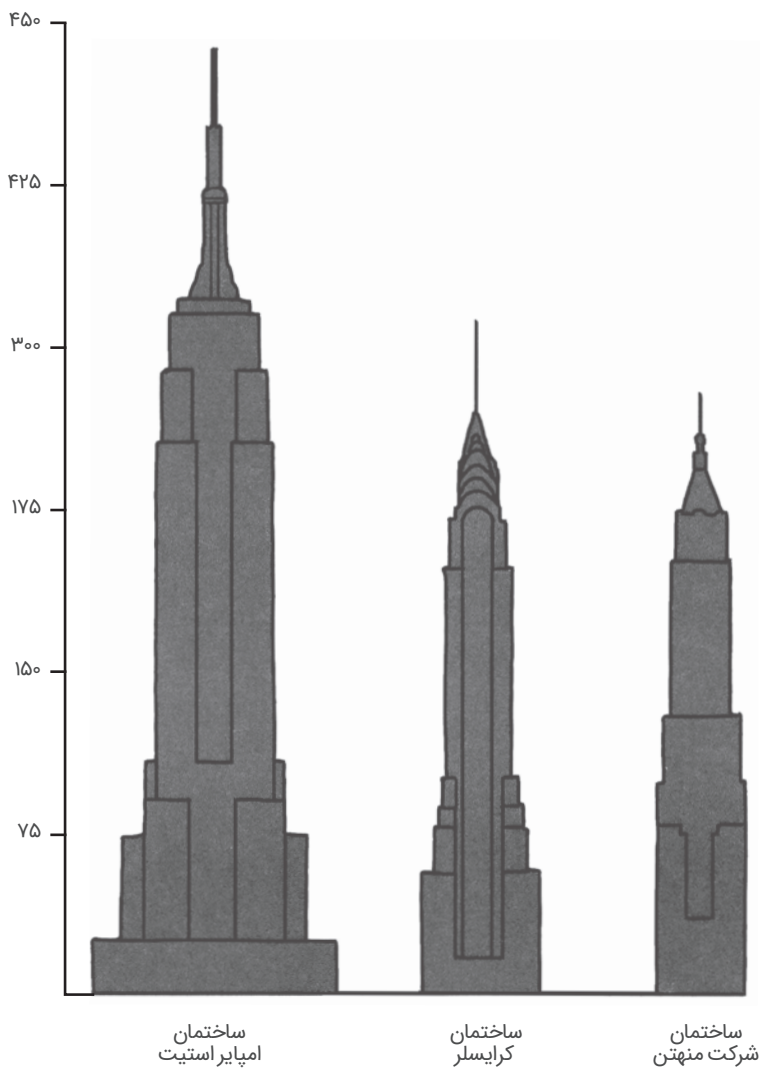
در سال ۱۹۲۹ و در شهر نیویورک، مسابقه‌ای «برای رسیدن به آسمان» شروع شد. دو آسمان‌خراش جدید - ساختمان کرایسلر و ساختمان شرکت مَنهَتِن - تا دل آسمان بالا می‌رفتند. مالک هریک از ساختمان‌ها می‌خواست بلندترین ساختمان جهان را بسازد. اما هیچ‌یک به طور دقیق نمی‌دانستند که ساختمان رقیب تا چه ارتفاعی بالا خواهد رفت. مالک شرکت منهتن توانست به نقشه‌های ساختمان کرایسلر دست پیدا کند. بلافاصله نقشه‌های خود را طوری تغییر داد که ساختمانش بلندتر شود.

به این ترتیب، در آوریل سال ۱۹۳۰، ساختمان شرکت منهتن بلندترین ساختمان جهان شد. اما فقط پس از چند هفته، کارگران ساختمان کرایسلر، مخفیانه دکل (مناره) بلندی به ساختمان خود اضافه کردند. کل کار در داخل ساختمان نیمه‌تمام انجام شد، تا

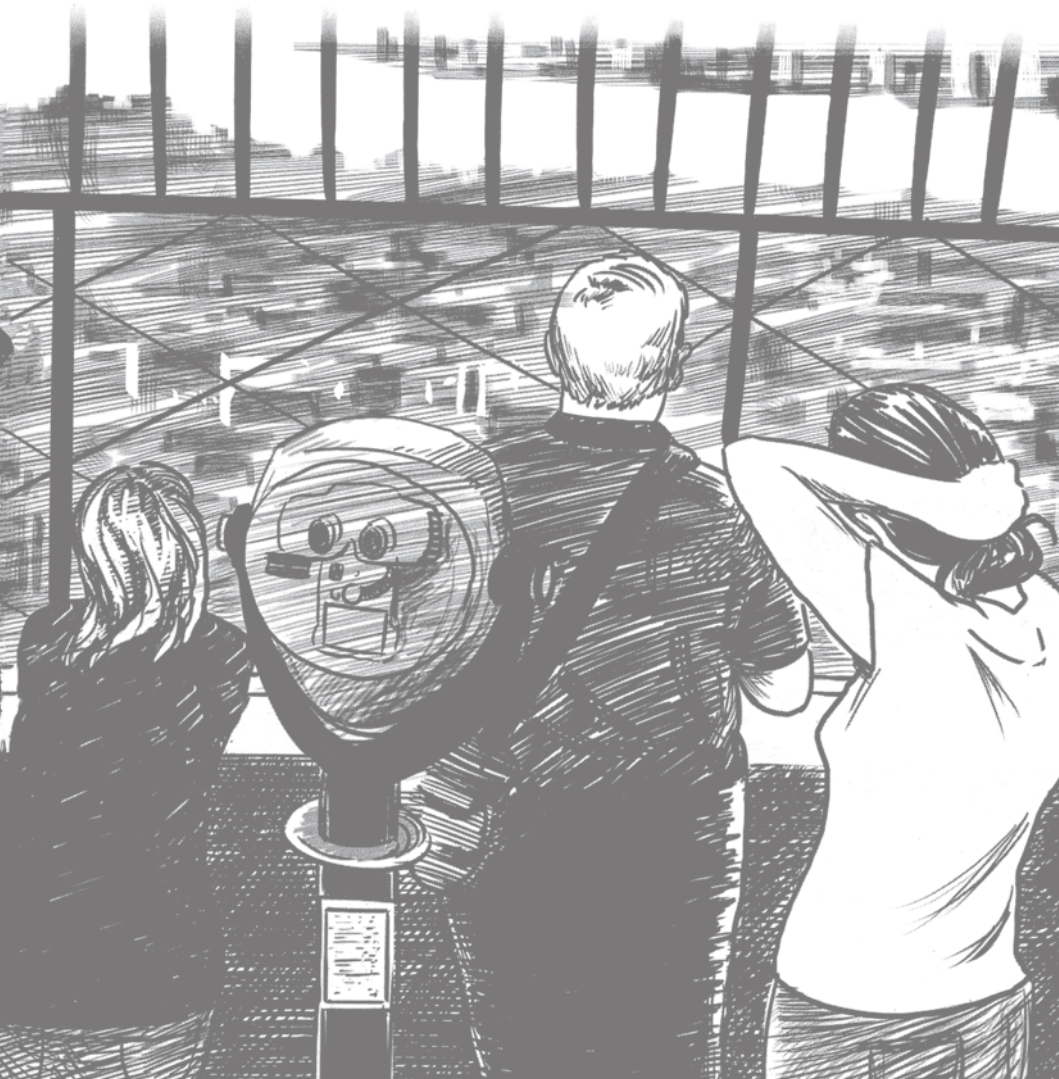
هیچ کس از آن خبردار نشود. هنگامی که ساخت این مناره به ارتفاع ۳۷/۵ متر - به پایان رسید، آن را از داخل سوراخ بام بالا کشیدند. ناگهان ساختمان کرایسلر بلندترین ساختمان جهان شد! با به حساب آوردن ارتفاع مناره، ارتفاع کل ساختمان به ۳۱۳/۸ متر رسید. آنچه هیچ یک از دو شرکت نمی دانستند، این بود که گروه سومی از سازندگان، با دقت آن‌ها را می‌پاییدند. ساختمانی که قصد داشتند بسازند، در مرحله طراحی بود. اما قبل از نهایی کردن نقشه‌های خود، صبر کردند تا ساختمان کرایسلر تکمیل شود. ارتفاع ساختمان کرایسلر هرچه بود، آن‌ها می‌خواستند ساختمان خودشان را کمی بلندتر از آن بسازند.

این آسمان خراش جدید ساختمان امپایر استیت بود. این ساختمان در مرکز شهر نیویورک قرار دارد و ورودی اصلی آن از خیابان پنجم، پایین‌تر از خیابان سی و چهارم است. ساختمان امپایر استیت ۱۰۲ طبقه دارد و ارتفاع آن ۳۷۵ متر است و هرگاه آنتن روی بام را هم - که بعدتر اضافه شد - در نظر بگیریم، ارتفاع کل ساختمان به ۴۳۶ متر می‌رسد. نمای این ساختمان با آلومینیم و استیل (فولاد زنگ‌نزن) تزیین شده است و بالاتر از آسمان خراش‌های مجاور، زیر نور خورشید می‌درخشد.

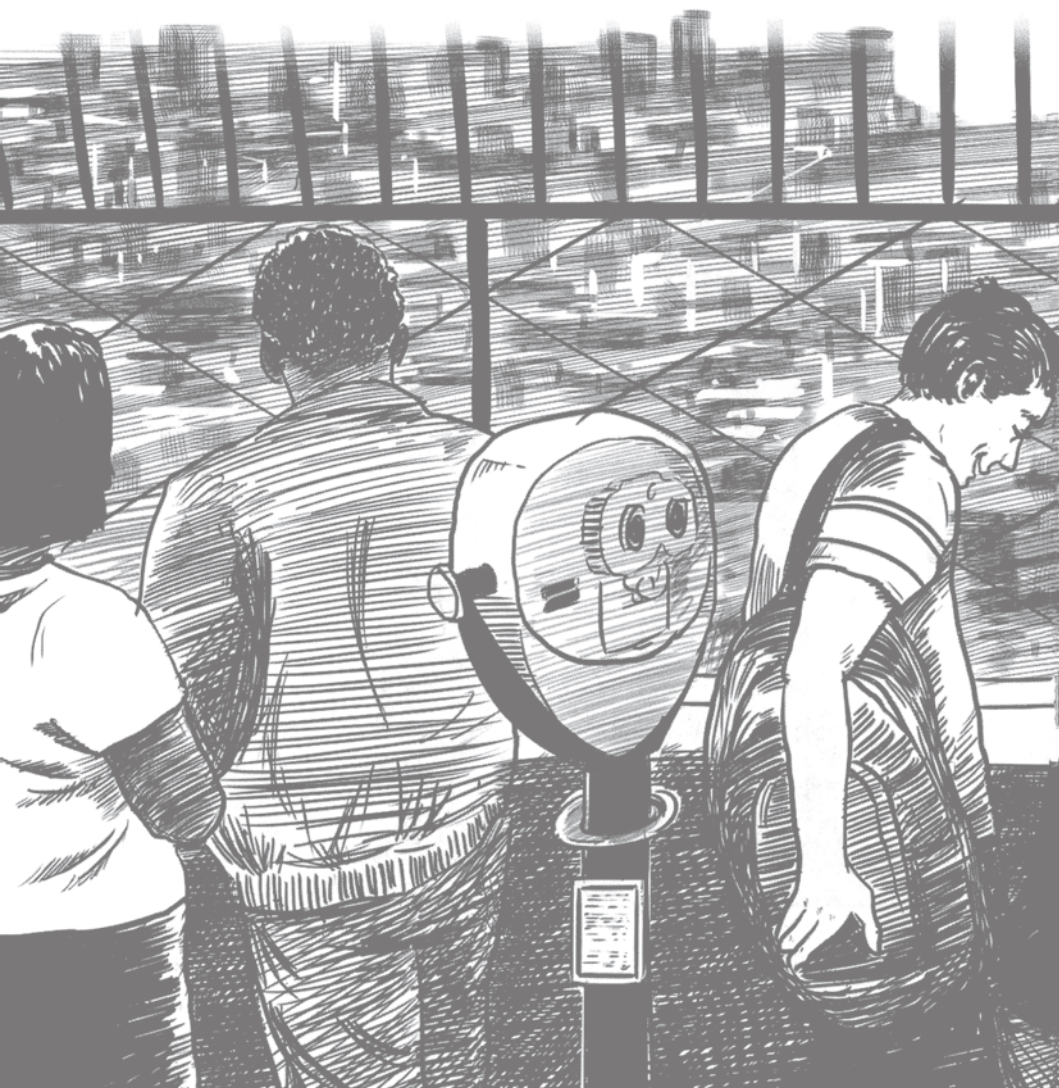
به مدت چهل سال - مدتی طولانی‌تر از هر ساختمان دیگر، لقب بلندترین ساختمان جهان را داشت. امروزه بیشتر مردم حتی



نمی‌دانند بلندترین ساختمان جهان کدام است، اما هنوز همه
ساختمان امپایر استیت را می‌شناسند.
امپایر استیت یکی از ساختمان‌هایی است که مردم جهان
بیش از هر ساختمان دیگری به آن علاقه دارند. روزانه به طور



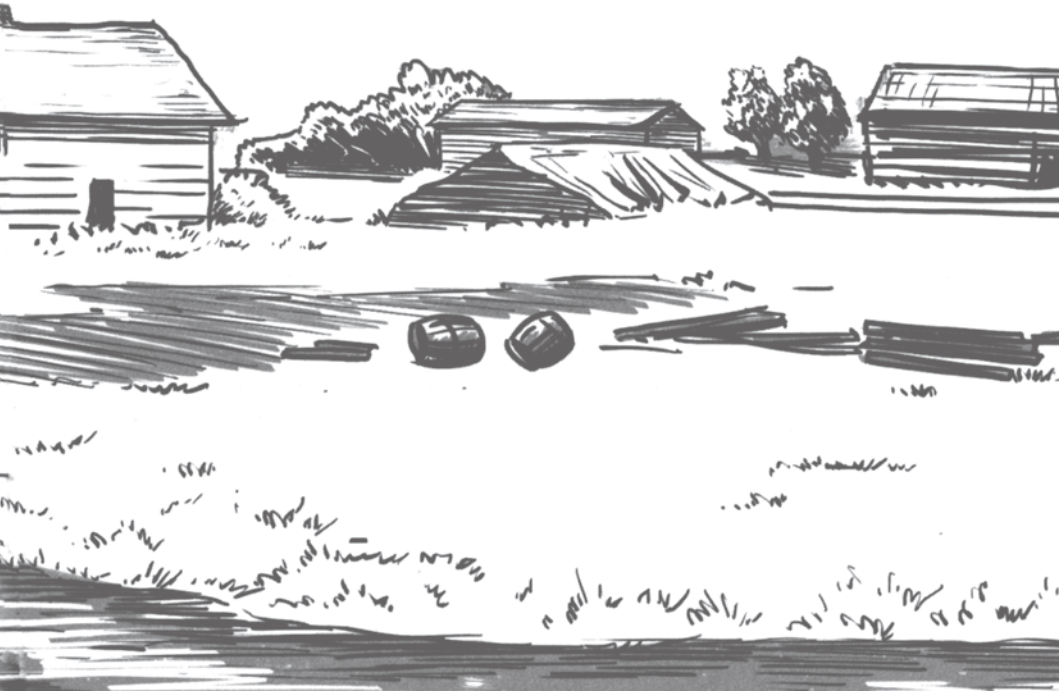
متوسط ده هزار نفر از نقاط مختلف جهان از این ساختمان بازدید می‌کنند. همه مردم از روی فیلم‌های سینمایی، عکس‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی آن را تشخیص می‌دهند. بیشتر مردم آن را نماد شهر نیویورک می‌دانند.

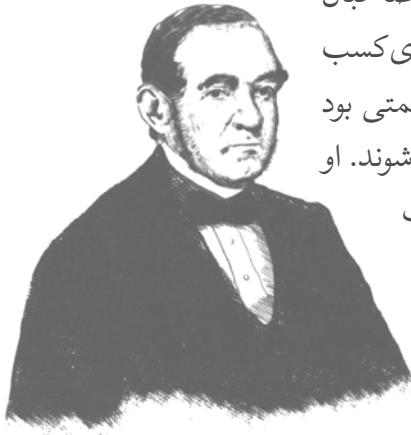


فصل ۱

از مزرعه تا آسمان خراش

فقط صد سال قبل از شروع ساخت امپایر استیت، محلی که ساختمان در آن ساخته شده، هنوز ناحیه‌ای روستایی بود. در منهتن، در سال ۱۸۲۷، مردی به نام ویلیام آستور، مزرعه کوچکی خرید که نهر آرامی از میان آن می‌گذشت.





آستور یکی از ثروتمندترین صاحبان کسب و کار در آمریکا بود. یکی از راه‌های کسب درآمد او خریدن زمین‌های ارزان‌قیمتی بود که حدس می‌زد روزی بسیار گران شوند. او اطمینان داشت که شهر نیویورک به زودی تا جایی گسترش خواهد یافت که مزرعه او وسط شهر قرار می‌گیرد؛ حق با او بود.



در اواسط دهه ۱۸۵۰، آن ناحیه به محله‌ای شیک و پررونق تبدیل شد. دو پسر ویلیام آستور در زمین مزرعه برای خود عمارت‌هایی ساختند و خانواده آستور به خیابان سی و چهارم نقل مکان کرد. این جا به جایی سبب شد که آن ناحیه مرکز قدرت و ثروت شود. از آن زمان تا امروز هم مرکز ثروت و قدرت باقی مانده است.





آن چهارصد نفر

خانم کارولین آستور، به عنوان همسر یکی از ثروتمندترین و قدرتمندترین مردان آمریکا، از عمارت مجلل خود، محافل پررونق نیویورک را اداره می‌کرد. او بود که تصمیم می‌گرفت چه کسی شایسته عضویت در این محافل سطح بالا هست و چه کسی شایسته نیست. بنابراین همه می‌خواستند کارولین آستور تأییدشان کند. فقط «بهترین آدم‌ها» می‌توانستند از درهای تالار خصوصی او عبور کنند.





بزرگترین تالار عمارت کارولین آستور حدود چهارصد نفر گنجایش داشت. یعنی هنگامی که کارولین مهمانی می‌داد، فقط چهارصد نفر را می‌توانست دعوت کند. اگر فردی به مهمانی کارولین دعوت می‌شد، معلوم بود که آدم مهم و متشخصی است. هرکس دعوت نمی‌شد، جزء طبقهٔ پایین‌تر بود. به همین دلیل، جامعه آدم‌های مُد روز را غالباً «آن چهارصد نفر» می‌نامیدند.

در دهه ۱۸۹۰، شاخه‌های مختلف خانواده آستور که در این دو عمارت زندگی می‌کردند، به جان هم افتادند. هریک از دو خانم آستور تصور می‌کرد که باید مهم‌ترین بانوی خانواده باشد. هر دو می‌خواستند به عنوان «خانم آستور» شناخته شوند. روزنامه‌ها از این دعوای خانوادگی به شدت استقبال می‌کردند و به انتشار خیر درباره آن علاقه داشتند.

اوضاع داشت بدتر می‌شد که ویلیام والدورف آستور و همسرش از آن جا نقل مکان کردند. ویلیام در محل خانه سابق خود هتلی ساخت. او این کار را برای لجبازی با کارولین آستور انجام داد که در عمارت دیگر زندگی می‌کرد. ساختمان بلند هتل مانع از تابیدن آفتاب به خانه کارولین می‌شد. به علاوه، ویلیام می‌دانست که کارولین از رفت و آمد مسافران در نزدیکی خانه خود اصلاً خوشش نخواهد آمد.

کارولین واقعاً از هتل والدورف بیزار بود. مدت کوتاهی پس از افتتاح هتل، او هم از آن جا نقل مکان کرد. پسر کارولین محوطه عمارت را به هتل دیگری تبدیل کرد: هتل آستوریا. خیلی طول نکشید که مالکان دو هتل دعوا را کنار گذاشتند و هتل‌های خود را به هم متصل کردند تا به مکانی بسیار بزرگ و مجلل تبدیل شود. هتل والدورف - آستوریا. هنگامی که این هتل افتتاح شد،

هتل والدورف





بزرگ‌ترین هتل جهان بود. در «کوی طاووس»، راهرو درازی که دو ساختمان را به هم متصل می‌کرد، نیویورکی‌های سطح بالا و گردشگران پول‌دار با لباس‌های شیک و جواهرات گران‌قیمت، آهسته قدم می‌زدند و به هم فخر می‌فروختند.

اما رشد شهر همچنان ادامه داشت. به زودی کسب‌وکارهای مختلف به این ناحیه هجوم آوردند. کارگران فقیر برای کار در کارخانه‌های کوچک به آن‌جا می‌آمدند. ماشین‌ها و کارخانه‌ها دود و گردوغبار تولید می‌کردند. این ناحیه دیگر برای طبقات بالا جاذبه‌ای نداشت.

در سال ۱۹۲۸، وقت آن رسید که هتل والدورف-آستوریا به محلهٔ بهتری منتقل شود. قیمت زمینی که هتل روی آن ساخته شده بود، بسیار بالا رفته بود. این زمین تقریباً یک بلوک شهری را شامل می‌شد. در آن زمان، تقریباً غیرممکن بود که بتوان در وسط شهر نیویورک قطعه زمینی به این بزرگی یافت.

والدورف-آستوریا به قیمتی حدود ۱۶ میلیون دلار فروخته شد. این بزرگ‌ترین معاملهٔ ملکی در آن سال بود. در آن زمان همه ساختمان‌های بلند می‌ساختند. قرار بود در جایی که قبلاً مزرعهٔ ویلیام آستور قرار داشت، آسمان‌خراش بسازند.

والدورف-آستوریای جدید

والدورف-آستوریا از بخش‌های محبوب زندگی محافل سطح بالا بود. وقتی این هتل فروخته شد، عده‌ای به خاطر از دست رفتن آن ماتم گرفتند. صاحبان هتل می‌خواستند سنت‌های هتل اصلی را در محل بهتری ادامه دهند. در سال ۱۹۳۱، هتل والدورف-آستوریای جدید در خیابان پارک افتتاح شد. این هتل چهل‌وهفت طبقه داشت و بلندترین هتل جهان بود. این هتل یک ورودی اختصاصی به ایستگاه راه‌آهن مرکزی داشت و در نتیجه مهمانان مهم هتل می‌توانستند سوار قطار شوند، بدون این‌که ناچار باشند

با بقیه مردم هم مسیر شوند. معماران نسخه جدیدی

از «کوی طاووس» معروف هم در هتل

جدید گنجانده‌اند. از سال ۱۹۴۹، این

هتل نام خود را به صورت جدیدی با

دو خط تیره نوشت: هتل والدورف =

آستوریا، که نمادی از کوی طاووس را

نشان می‌داد.

